



شاعر حوزوی به دلیل انس و الفت با منابع دست اول دینی به خصوص آیات قرآن کریم و روایات حضرات معصومین، می تواند از اندیشه عمیق دینی برخوردار باشد و باور شعری خود را البریز از معارف الهی و انسانی متجلی سازد. آشنایی با کلام و عرفان و فلسفه و دیگر علوم عقلی و نقلی، همواره غنا بخش آثار عالمان و حکیمان بزرگ شعر فارسی گردیده است امری که در دوره های مختلف شعر حوزه نیز در آثار بزرگانی چون شیخ بهایی، فیض کاشانی، غروی اصفهانی، امام خمینی، علامه طباطبایی و... نمود بارزی داشته است. همین مهم، پس از انقلاب و در آثار دیگر شاعران حوزوی تجلی پیدا کرد اما در فضایی تازه و بیانی دیگر. اشارات و عبارات فلسفی و عرفانی برخاسته از این نوع اندیشه در آثار شاعران پیشکسوت و جوان حوزوی به خوبی مشاهده می گردد که در ادامه به مصادیقی از آن نگاهی خواهیم داشت.

اندیشه شعری او را شکل می دهد. دغدغه ها و اولویت های فکری خاص، سبب ایجاد جهان بینی شاعر می گردد و در ادامه جهان شعری مختص او را خلق می کند.

شاعر حوزوی به دلیل انس و الفت با منابع دست اول دینی به خصوص آیات قرآن کریم و روایات حضرات معصومین، می تواند از اندیشه عمیق دینی برخوردار باشد و باور شعری خود را البریز از معارف الهی و انسانی متجلی سازد. آشنایی با کلام و عرفان و فلسفه و دیگر علوم عقلی و نقلی، همواره غنا بخش آثار عالمان و حکیمان بزرگ شعر فارسی گردیده است امری که در دوره های مختلف شعر حوزه نیز در آثار بزرگانی چون شیخ بهایی، فیض کاشانی، غروی اصفهانی، امام خمینی، علامه طباطبایی و... نمود بارزی داشته است. همین مهم، پس از انقلاب و در آثار دیگر شاعران حوزوی تجلی پیدا کرد اما در فضایی تازه و بیانی دیگر. اشارات و عبارات فلسفی و عرفانی برخاسته از این نوع اندیشه در آثار شاعران پیشکسوت و جوان حوزوی به خوبی مشاهده می گردد که در ادامه به مصادیقی از آن نگاهی خواهیم داشت.

نگاه عرفانی که حاصل شهودی متفاوت و سیر و سلوک در انفس و آفاق است، در طول چندین قرن اخیر همواره با ادبیات فارسی همراه بوده است، البته با فراز و نشیب های فراوان. این نوع نگرش سبب نگارشی دیگرگون خواهد شد امری که در آثار برخی از شاعران حوزوی به خوبی مشهود است.

لازم به ذکر است که مقوله عرفان عرصه خطیری است که می تواند با خطر های فراوان همراه گردد، لذا آشنایی با معارف شیعی و همقدمی با پیران راه، شرط ضروری برای رسیدن به سر منزل مقصود

مند گردد و هم شعر انقلاب. این آثار برای شعر حوزه بیشتر در مقوله های ساختاری و فرمی آثار بود و برای شعر دیگر شاعران انقلاب، در حوزه مباحث مضمونی و محتوایی، از سویی شاعران جوان حوزوی با فضا های تازه و نظریه های جریان آفرین شعر معاصر آشنا شدند و از هنرمندی ها و خلاقیت های گسترده در عناصر مختلف شعری بهره مند گردیدند و از سوی دیگر شاعران غیر طلبه توانستند به محتوایی دقیق تر و عمیق تر پیرامون مباحث دینی و ولایی دست پیدا کنند و اشعار خود را با استفاده از تفسیر آیات و شرح روایات غنای معنایی بیشتری ببخشند.

در مجال اندک این نوشتار اشاراتی خواهیم داشت به تغییر و تحولاتی که پس از انقلاب نصیب شعر حوزه گردید و اسباب شکوفایی بیشتر آن را فراهم گرداند.

اما در ابتدا بیان این نکته لازم است که به نوعی تمام اتفاقات مبارکی که در طول سالهای پس از پیروزی انقلاب برای شعر معاصر به وقوع پیوسته است، شامل حال شعر حوزه نیز می گردد و در این میان گاه شعر حوزه به شرایط و اتفاقات ویژه ای هم داشته است. اگر عناصر اصلی سازنده شعر را شامل اندیشه و احساس، خیال، زبان، موسیقی و ساختار بدانیم شعر حوزه به دلیل تاثیر پذیری از شاعران بزرگ انقلاب و گاه به سبب خلاقیت های شخصی شاعران حوزوی تغییر و تحولاتی پویا در اکثر این عناصر داشته است. تغییراتی که در اغلب موارد موجب رشد چشمگیر و گاه غیر قابل مقایسه با ادوار دیگر شعر طلاب را از لحاظ کمی و کیفی فراهم ساخت.

■ اندیشه

نوع نگرش شاعر به جهان درون و دنیای بیرون،

یافت. باتشکیل نهاد ها و مراکز حوزوی مرتبط با مسائل فرهنگی و هنری، فعالیت طلاب هنرمند نیز سامان و سازمان بهتر و بیشتری پیدا کرد و این امر سبب ارتقای کمی و کیفی آثار هنری حوزه های علمیه گردید. بدون تردید شعر حوزه سهم بیشتری از این مهم را به خود اختصاص داد و با سیری پویا در طول سال های پس از انقلاب به سمت افق های روشن تر و متعالی تر راه پیمود.^۳ اما بعد:

حجره ی تنگ تحجر بنه ای طالب حال گام در مدرسه ای زن که بدین ضیق نیست (زکریا اخلاقی)

ورود طلاب به عرصه شعر رسمی کشور و حضور در محافل و همایش های مختلف ادبی آن هم با اعتماد و اعتقاد، سبب پربارتر شدن درخت ریشه دار شعر حوزه گردید. انزوایی که در روزگار گذشته به دلیل نامناسب بودن فضای بسیاری از محافل ادبی به سراغ طلاب شاعر آمده بود، روز به روز کمرنگ تر شد و حضور جمعی و اجتماعی شعر حوزه، محفل به محفل پر فروغ تر گردید. شاعران جوان حوزوی در جمع دیگر شاعران کشور حاضر شدند و با ارائه آثار خود در محافل و همایش های ادبی نام خود را در جمع پر شمار شاعران انقلاب ثبت کردند. از سوی دیگر با تأیید و تأکید عالمان فرهیخته و طلاب خوش ذوق، حوزه های علمیه مقوله هنر و به ویژه شعر را بیشتر و بهتر از گذشته پذیرفتند و مهر رضایت و حمایت بر آن زدند. رفته رفته نهاد ها و مراکز مرتبط هنری شکل گرفت و به صورت مستقل شعر حوزه مورد توجه قرار گرفت. محافل و همایش های ادبی و نیز هم نشینی ها و هم اندیشی های شاعران طلبه با دیگر شاعران متعهد انقلاب، آثار و برکات فراوانی با خود به همراه داشت. برکاتی که هم شعر حوزه از آن بهره